



امام بر ملکوت احاطه داشته و هرگز اشتباه نمی‌کند

امام چون بر ملکوت احاطه دارد هیچ وقت اشتباه نمی‌کند، و چون فعل او فعل حق است دچار تردید و تحیر نمی‌شود، و در کرده خود پشیمان و نادم نمی‌گردد؛ چون خدا در کار خود تحیر و ندامت ندارد.

امام چون بر ملکوت احاطه دارد هیچ وقت اشتباه نمی‌کند، و چون فعل او فعل حق است دچار تردید و تحیر نمی‌شود، و در کرده خود پشیمان و نادم نمی‌گردد؛ چون خدا در کار خود تحیر و ندامت ندارد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: آیت الله سید محمدحسین حسینی طهرانی، فقیه، عارف و از شاگردان علامه طباطبایی بود. آیت الله طهرانی بیشتر با مباحث عرفانی شناخته شده است، اما وی در سال‌های حضورش در تهران که همزمان با نهضت اسلامی امام خمینی بود، با حمایت کامل از نهضت، به سازماندهی نیروهای مبارز پرداخت. «رسالة لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب» از آثار ایشان است.

مرحوم علامه طهرانی در کتاب امام شناسی به بیان لزوم پیروی از حق می‌پردازد و می‌نویسد امام معصوم بر ملکوت احاطه داشته و هرگز اشتباه نمی‌کنند.

امام چون بر ملکوت احاطه دارد هیچ وقت اشتباه نمی‌کند، و چون فعل او فعل حق است دچار تردید و تحیر نمی‌شود، و در کرده خود پشیمان و نادم نمی‌گردد؛ چون خدا در کار خود تحیر و ندامت ندارد. افرادی که ندامت و پشیمانی پیدا می‌کنند، راجع به جهل آنها هنگام عمل است که جهتی از جهات در نزد آنها پسندیده به نظر می‌رسد، و بلادرنگ مبادرت به آن عمل می‌کنند، و سپس که نقاط ضعف و تاریکی برای آنها روشن شد، که در حین عمل مخفی بوده است، نادم و پشیمان می‌گردند.

مرد حقّ پشیمان نمی‌شود، هیچ گاه دیده نشده است که امام از فعل خود اظهار پشیمانی کند، و این علامتِ صحت عمل و اتقان آن است، و علاوه امام در هر موضوعی با قاطعیت، وظیفه مردم را تعیین می‌کند، نه آنکه از امروز به فردا محوّل کند، یا با مشورت و مطالعه و تأنی و تروّی حقیقت بر او مکتشوف گردد، بلکه چون آئینه، حقایق در مقابل او نمودار است، و بلادرنگ پاسخ می‌گوید.

ابوبکر چند بار از خلافت خود اظهار پشیمانی نمود. کراراً گفت: اقبیلونی، اقبیلونی و لستُ یخیرکمُ بار خلافت را از گردن من بردارید من بهترین افراد شما نیستم! باید به او گفت: اگر خلافت را که ربودی به امر خدا بود، چگونه می‌خواهی رها کنی؟ و اگر به امر خدا نبود چگونه ربودی؟ اینجاست که مانند کلاف سر در گم متحیر و سرگردان می‌شود، چون قدرت تحمّل این بار را ندارد از طرفی، و از طرف دیگر هم دلش نمی‌آید که بگذارد تا صاحبش بردارد: كَطْلُمَاتٍ فِی بَحْرِ لَجِّی یَعْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ قَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ قَوْقِهِ سَحَابٌ ظَلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا قَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ - و کسانی که کافر شده اند اعمالشان rlm&مانند ظلماتی می‌باشد در دریای مضطرب که پیوسته موجی او را بپوشاند و از فراز آن موج موجی دیگر برآید و از فراز آن ابری پدیدار گردد، ظلماتی هستند بعضی از آنها در بالای بعضی دیگر به طوری که چون مرد کافر دستش را بیرون بیاورد هیچ وقت نمی‌تواند آن را ببیند، و کسی که خدا برای او نوری قرار نداده است دارای نوری نمی‌باشد.

مسعودی گوید: چون زمان وفات ابوبکر رسید و به حال احتضار درآمد، گفت: من بر چیزی تأسف نمی‌خورم، مگر بر سه چیز که به جای آوردم، و دوست داشتم که آنها را به جای نمی‌آوردم، و بر سه چیز که به جای نیاوردم، و دوست داشتم که آنها را به جای آوردم، و از سه چیز که دوست داشتم از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کنم و سوال نکردم. اما آن سه چیز که به جای آوردم، و دوست داشتم که آنها را به جای نمی‌آوردم، یکی آن بود که دوست داشتم که از خانه فاطمه تفتیش و تفحص به عمل نمی‌آوردم، و در این باره سخنان بسیاری گفت.

نصوص صریحه قرآن کریم و سنّت صحیحہ رسول خدا و سیره متّبعه ائمّه طاهرین علیهم السّلام و روش صحابه ذی بصیرت و تابعین ذی درایت جداً مناط تبعیت و پیروی را، از واقعیت و حق می‌داند، خواه طبق آرا اکثرین باشد یا نباشد. و از پیروی رأی خلاف واقع و حقیقت تجنّب می‌ورزد خواه پشتیبان او آرا همه عالم باشد یا نباشد. و این بزرگترین محلّ اختلاف بین شیعه و سنّی است، و تمام مسائل اختلاف بر این محور دور می‌زند و بر این اساس رجوع می‌نماید.

شیعه از صدر اسلام تا به حال فریاد می‌زند، دلیل می‌آورد احتجاج می‌کند که باید از حقّ تبعیت نمود، نه از آرا مردم؛ امامت انتصابی است، نه انتخابی، مردم باید از حقّ پیروی کنند؛ و امام به حقّ باید از جانب خدا معین گردد، بعین آنکه رسول خدا باید از

جانب خدا بیاید، و مردم حقّ انتخاب پیامبر را ندارند.

این است منطق شیعه که منطق اسلام است.